

خلافین امروز



ب متهم یا مال وجود باشند و در عنوان یک ه و در این ییل است ی القاعده ب پروند را ۸۰ درصد ه شده و ذکر این د از ارائه

هرگونه وعده‌ای که اساس وکالت را مخدوش می‌کند، خودداری کند. مثلاً بگوید با قاضی آشنایی داشته یا قدرت اعمال نفوذ دارم یا در مواردی که موضوع پرونده قتل و اعدام بوده و موکل حاضر است، هزینه بسیار سنگینی را متقبل شود تا به هر قیمتی مانع از اجرای مجازات شود. در چنین مواقعی امکان دارد خدای ناکرده وکیل وسوسه شده و وعده‌های غیرقابل اجرایی به موکل خود دهد. در این میان ممکن است نتیجه مورد انتظار موکل حاصل نشود و از روی عصبانیت و مواجهه با وعده‌های توخالی ارائه شده از سوی وکیل، دست به اقداماتی بزند که نه خود موکل راضی باشد و نه خود موکل. دسته چهارم، دستگاه قضا و زیرمجموعه‌های آن شامل قضات و کارکنان است که از نظر قانونی آن وکیل باید در مورد موضوع دفاع از تأمینات و اقدامات شاغلان شغل قضا برخوردار باشد؛ یعنی احترامی که به یک قاضی گذاشته می‌شود، باید به یک وکیل نیز گذاشته شود اما تبصره‌ای که در ماده واحده مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام به تاریخ ۱۱ مهر ۱۳۷۰ پیش‌بینی شده است، هیچ‌گونه ضمانت اجرایی ندارد. حتی در داخل شعبه نیز گاهی شاهدیم که خود قاضی یا کارکنان شعبه احترامی را که شأن وکیل اقتضا می‌کند لحاظ نمی‌کنند. یا حتی بعضاً وقتی یک اصحاب دعوی به شعبه مراجعه می‌کنند، برای این‌که به هر شکلی او راضی از شعبه خارج شود، می‌گویند وکیل درست انجام وظیفه نکرده و برو سراغ او. این نوع برخورد نشان می‌دهد یکی از آسیب‌هایی که ممکن است جرایمی را متوجه وکلا کند، نوع رفتار کارکنان یک شعبه است. البته شعب و قضات بیشترین دقت را چاشنی کار خود می‌کنند، با این حال افراد اندکی نیز فرافکنی می‌کنند و پیروزی یا شکست وکیل را گردن او انداخته و وکیل و موکل را درگیر یکدیگر می‌کنند. دسته پنجم، افکار عمومی و متأسفانه ذهنیت منفی آنها در مورد وکلاست. علت این مسأله را می‌توان در موارد مختلفی از جمله در فیلم‌هایی که در داخل یا خارج از کشور ساخته می‌شود، جست‌وجو کرد. البته نه همه، اما برخی از آنها برای جذب مخاطب بیشتر، چهره بسیار ناخوشایندی از وکلا نشان می‌دهند که بر اساس آن، وکلا افراد شیاد و کلاشی هستند که فقط به پول فکر می‌کنند و به هر قیمتی می‌خواهند حق را ناحق کنند. همین مسأله باعث شده افکار عمومی ذهنیت مثبتی نسبت به وکلا نداشته باشند. در چنین شرایطی وقتی وارد یک دفتر وکالت می‌شوند و نتیجه دلخواه‌شان را به

دست نمی‌آورند، می‌گویند پس ذهنیت‌های ایجاد شده در مورد وکلا درست بوده است. در هر صورت باید در مصاحبه با این پنج گروه، تمایلات جرم‌شناسانه در آنها بررسی شود. پس از انجام آزمایش نیز نتایج به مراکز قانونگذاری از جمله مجلس شورای اسلامی ارائه شود تا قانونی برای صیانت از وکلا تصویب کنند که ضمانت اجرایی هم داشته باشد.

۴ گفته می‌شود برخی وکلا از پذیرفتن پرونده‌های خانوادگی به دلیل مشکلات احتمالی خودداری می‌کنند. این موضوع تا چه میزان صحت دارد؟

این به فرهنگ جامعه و زمانی برمی‌گردد که تلقی و درک درستی از وظایف یک وکیل نداشته باشند. وکیل چه وکیل خواهان باشد، چه وکیل خوانده یا وکیل متهم یا شاکی، وظیفه‌اش دفاع از موکل بر اساس مدارک و مستندات مطابق با واقعیت است. ولی در مواردی شاهدیم موکل حتی به وکیل انتخابی خود همه حقایق را نمی‌گوید و شفاف‌سازی نمی‌کند. تصور می‌کند نزد مقام قضایی می‌تواند صحبت‌هایی مطرح کند که ماجرأ به نفع خودش تمام شود. یا حتی گاهی موکلان به زعم خود تلاش می‌کنند مدارکی که ممکن است علیه آنها استفاده شود را در اختیار وکیل قرار ندهند و پس از ورود به پرونده انتظار پیروزی از وکیل خود را دارند، اما در زمان دفاعیات با مستندات و مدارکی مواجه می‌شود که حقانیت طرف مقابل را اثبات می‌کند. در حالی‌که اینجا تصمیم‌گیرنده نهایی مقام قضایی است. یعنی وکیل خواهان از یک سو و وکیل خوانده از طرف دیگر، مدارک و مستندات و دفاعیات خود را به شکل شفاهی و کتبی ارائه داده و آنچه که در این جا موازنه برقرار می‌کند و موضوع را در ذهن به



پرونده هفته

تشریح

ویژه‌نامه حوادث | روزنامه جام جم | ۵

چهارشنبه ۷ شهریور ۱۴۰۳ | شماره ۱۰۷۳

چالش می‌کشد، مقام قضا است که بین دفاعیات وکیل متهم و وکیل شاکی تصمیم می‌گیرد متهم را محکوم یا تبرئه کند. مهم این است که وکیل تا جایی که مدارک در اختیارش بوده، طبق وظایف خود و به درستی از موکل اش دفاع کرده است. اما اگر در نهایت تصمیم‌گیری در حوزه اختیارات وکیل نبوده و اساساً وکیل متعهد به نتیجه نیست و نتیجه در اختیار فرد دیگری است، حتی ممکن است رای خود قاضی پس از اتخاذ تصمیم در مراحل مختلف بالاتر نقض شود. به‌رحال مرحله‌ای مانند دادگاه تجدیدنظر، دیوان عالی کشور، اعاده دادرسی و ده‌ها طرق فوق‌العاده و غیرفوق‌العاده برای بررسی پرونده وجود دارد که به موضوع رسیدگی کنند. این‌که بعضی از وکلا از پذیرفتن پرونده‌های خانوادگی خودداری می‌کنند به این علت است که ذهنیت مردم نسبت به وکلا همچنان یک ذهنیت منفی است، درحالی‌که وکیل به جهت شغل خود نسبت به هر پرونده پیگیری و مراجعات لازم را انجام می‌دهد، حالا ممکن است مراجعه‌کننده زوج باشد یا زوجه که برای وکیل هیچ تفاوتی نمی‌کند. هرکسی که مراجعه کند وکیل، پرونده را بررسی کرده و براساس مدارک و مستندات موجود اقدامات لازم را انجام می‌دهد. در نهایت نیز قاضی تمام جوانب پرونده اعم از آنچه که وکیل متهم یا وکیل شاکی ارائه کرده را بررسی کرده و براساس آن و به‌عنوان شخص بی‌طرف تصمیم‌گیری می‌کند.

۴ چه راهکارهایی برای افزایش امنیت وکلا وجود دارد؟

یک راهکار قانونی داریم که مجلس براساس آن قانونی برای صیانت از شاغلان حرفه وکالت تعیین و ضمانت اجرایی هم پیش‌بینی کند؛ اما موضوع مهم‌تر، موارد پنجگانه‌ای است که در مورد آن باید روشنگری شود. این‌که وکیل چه وظایفی دارد، هم برای خود وکیل باید روشن شود و هم برای تمام افرادی که با شغل وکیل در ارتباط هستند. اگر این روشنگری‌ها انجام شده و فیلم‌ها، کتاب‌ها و مقالات براساس اقدامات پژوهشی و میدانی ساخته و نوشته شده و واقعیت‌ها آن‌طور که هست مطرح شود، در این صورت می‌توان طرز تلقی جامعه را نسبت به شغل وکالت اصلاح کرد. ما ادعا نمی‌کنیم که تمام جامعه وکلا آدم‌های درستی هستند. در هر حرفه و شغلی ممکن است افراد غیرشایسته‌ای هم حضور داشته باشند که البته قانون باید با این افراد برخورد کند. یعنی اگر در جایی وکیلی حقی از موکل خود تضییع کرد و وعده ناجرایی داد یا ادعا کرد که می‌تواند در دستگاه قضایی نفوذ کند، با آنها باید طبق قانون برخورد شود؛ اما عمده وکلا دنبال احقاق حق هستند و به‌عنوان بازوی قاضی به قاضی مشورت می‌دهند. در یک روز ممکن است پرونده‌های مختلفی به قاضی ارجاع شود، اما شاید وکیل در یک ماه ۲-۳ پرونده در اختیار داشته باشد که می‌تواند با دقت تمام جوانب آنها را بررسی و نقاط کور را کشف کند. وکیل، بازوی خوب و مناسبی برای قاضی شعبه است و البته قاضی هم باید دقت کند لواچگی که وکلا با زحمت و تلاش بسیار می‌نویسند را مورد عنایت قرار دهد، زیرا تمام لواچ مستند و مستدل و موجه می‌تواند برای قضات مثمر واقع شود. درباره تمام این موارد باید روشنگری صورت گیرد تا از میزان آسیب‌ها و صدماتی که متوجه وکلاست، کاسته شود.